

بیانات دیدار قهرمانان و ورزشکاران مسابقات آسیایی و پارا آسیایی - 1 / بهمن / 1393

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خیلی خوش آمدید عزیزان، جوانان، قهرمانان! خوشحالم از زیارت و دیدار شما. اگر میتوانستم، مایل بودم یکایک شما را از نزدیک ببینم و تشکر کنم؛ منتها عده‌تان ماشاءالله زیاد است و نمیشود. از خدای متعال درخواست میکنیم که همه‌ی شما برادران، خواهران و مربیان‌تان و مدیران‌تان همه را مشمول لطف خود و هدایت خود قرار بدهد. بنده بعد از آنکه در هر مسابقه‌ای، در هر میدانی جوانهای ما به پیروزی دست پیدا میکنند، به‌طور ویژه تشکر میکنم از آنها. چون پیروزی شما، قهرمانی شما احساس افتخار را به ملت ما منتقل میکند. برای یک ملت این مهم است. همیشه دشمنان ملت‌ها سعی کردند آن ملت‌ها را تحقیر کنند. تحقیر فقط این نیست که به آنها اهانت کنند یا دشنام بدهند؛ مهم‌ترین تحقیر این است که احساس حقارت را در دل آنها به‌وجود بیاورند. یک ملت هنگامی که از برجستگی‌های خود، امتیازات خود، ارزشهای خود غفلت کرد، خود را کوچک دید، حقیر دید، این ملت دیگر راه به جایی نخواهد برد؛ هر ناکسی بر چنین ملتی، بر چنین مردمی مسلط خواهد شد. ملت‌ها باید افتخارات خودشان را بشناسند. می‌بینید ملت‌هایی هم که تاریخ درخشانی، گذشته‌ی مهمی ندارند، برای خودشان گذشته می‌تراشند، تاریخ درست میکنند، شخصیت درست میکنند در فیلم‌های سینمایی و امثال اینها. آن وقت ملتی مثل ملت ما با آن گذشته‌ی درخشان، با آن قلّه‌ی بلندی که در طول تاریخ در تمدن و فرهنگ و علم و انسانیت بر آن قلّه قرار گرفته، سعی شده است در طول سال‌های متمادی که این ملت را در دل خود حقیر کنند؛ می‌شنوید، می‌بینید حرف‌هایی که زده میشود و افتخارات ملی نادیده گرفته میشود. اینکه یک ملت احساس افتخار کند، خود این گامی به‌سوی افتخارات بزرگ است. من از این لذت میبرم که میبینم جوان ما در میدان ورزشی پیروز میشود و این پیروزی را به ملت خودش تقدیم میکند؛ هم به زبان، هم در عمل ملت را خرسند میکند؛ احساس افتخار را به درون دل‌های مردم منتقل میکند؛ این برای من نعمت بسیار بزرگی است؛ پیام میدهم، تشکر میکنم. و آنچه می‌گویم در برابر آنچه در دل احساس میکنم، بسی کمتر و کوچک‌تر است؛ بنابراین از شماها متشکریم.

یک نکته‌ی مهمی وجود دارد و آن اینکه شما وقتی بر سکوی قهرمانی قرار می‌گیرید به هر صورتی، به هر شکلی، در معرض دید صدها میلیون انسان در دنیا قرار می‌گیرید؛ منش شما و روش شما معرفت‌تان هم هست، معرفت فرهنگتان است، معرفت شخصیت ملی شما هم هست. این خیلی مهم است که شما چه‌جوری عمل میکنید. آن خانم جوانی که با چادر میرود روی سکوی قهرمانی، نشان میدهد که در مقابل هجمه‌های قابل رؤیت و غیر قابل رؤیت که به این چنین کاری در دنیا از سوی مراکز ضد فرهنگ و ضد دین و ضد عصمت و پاکیزگی صورت می‌گیرد، مقاوم است، این خانم یک شخصیتی از خود نشان میدهد؛ یعنی در واقع ملت خود را معرفی میکند. آن جوانی که بعد از پیروزی، سجده‌ی شکر به جا می‌آورد، یا فریاد بلندی با نام بزرگان دین از حنجره خارج میکند، یا لباسی که میپوشد، بلوزی که میپوشد، نام فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) یا نام ابوالفضل (علیه‌السلام) را روی آن نقش میکند، این دارد ملت خودش را معرفی میکند؛ معنویت ملت را معرفی میکند و در کنار معرفتی معنویت، استقامت ملت را معرفی میکند.

امروز همه‌ی سعی دستگاه‌های تبلیغاتی بین‌المللی و جهانی معنویت‌زدایی است، دین‌زدایی است، عفت و عصمت‌زدایی است؛ این جزو برنامه‌های حتمی صهیونیستی است در سرتاسر دنیا و دارند پیش می‌روند و روزبه‌روز بدتر [عمل] میکنند. شما نگاه کنید به فیلم‌ها و داستانها و امثال اینها به پوشش زنهای اروپایی در پنجاه سال پیش یا صد سال پیش و با امروز مقایسه کنید. اخلاق جنسی غربی اروپایی را در پنجاه سال پیش، صد سال پیش با امروز مقایسه کنید، ببینید چقدر فرق کرده؟ کار انحطاط اخلاقی به جایی میرسد که اگر شما اعلام بکنید که همجنس‌گرایی را قبول ندارید، شما را مورد تهاجم قرار میدهند! خیلی چیز عجیبی است. افتخار میکنند به بی‌عفتی و برهنگی، افتخار میکنند به عدم رعایت اخلاق جنسی؛ یعنی همانی که در روایات ما هست که معروف میشود منکر،

منکر میشود معروف؛ این الان در دنیای غرب تحقق پیدا کرده. و امپراتوری خبری و رسانه‌ای با همه‌ی توان - که امروز حجم آن هزاران برابر پانزده سال، بیست سال پیش شده، با این شبکه‌های اجتماعی و با این شیوه‌های اینترنتی و مانند اینها - و با این حجم عظیم امکانات خود در جهت تبلیغ ضدّ معنویت و ضدّ اخلاق است. آن وقت در این فضا جوان ایرانی می‌آید و مظهر معنویت را نشان میدهد؛ این یعنی چه؟ معنای این آن است که این دل، این روح، این روحیه، در مقابل این موج عظیم انحرافی قادر بر ایستادگی است. این است که شما را معرفی میکند. شما درست است که در میدان ورزش سختی میکشید تا قهرمانی را به دست می‌آورید - چه روی تشک کشتی، چه در وزنه‌برداری، چه در بازی‌های دسته‌جمعی و امثال اینها - خب، زحمت میکشید، فشار می‌آورید روی خودتان، استقامت میکنید اما این استقامت معنوی در چشم مردمان بصیر دنیا کمتر از آن استقامت جسمانی نیست؛ گاهی بیشتر است؛ و نشان میدهد که این ملت یک ملتی است که در مقابل فشارهای تبلیغاتی دستگاه‌های مضر و مخرب قادر است بایستد.

در دنیایی که زن را به آن شکل می‌پسندند و افتخار میکنند - در چهار، پنج، شش سال پیش یک مجله‌ی آمریکایی من دیدم که در یک رستوران کسانی که مشغول خدمت هستند، زنان جوانی هستند با این خصوصیات که عربانی یا در واقع نیمه‌عربانی یکی از این خصوصیات است؛ صاحب رستوران به این افتخار میکند و در مجله عکس خود و عکس رستوران و عکس آن دخترها را منتشر میکند - در یک چنین دنیایی که برهنگی انحرافی و غلط و مضر و کشنده را ترویج میکند، زن جوان ما می‌آید آنجا می‌ایستد یا پسر جوان ما می‌آید با آن خانمی که میخواهد مدال را به گردنش ببندازد دست نمیدهد؛ اینها خیلی ارزش دارد. این جور نیست که ما از روی تعصب مذهبی، از کسی که یک کار خوبی میکند بخواهیم ترویج کنیم؛ اینها نشانه‌ی استقامت و ایستادگی و آن فلز محکم عنصر ملت ایران است؛ اینها است که ارزش میدهد به یک ملت. اینها را قدر بدانید؛ هرچه میتوانید اینها را ترویج کنید. معنویات در ورزش، به ورزش هم کمک میکند، به آبروی ملتی هم کمک میکند. و بحمدالله جوانهای ما جوانهای متدینی هستند. از تخلفات قانونی هم بشدت پرهیز بشود؛ چه تخلفات بین‌المللی، چه تخلفات قانونی مربوط به داخل کشور. این جور نباشد که معنای قهرمان‌محوری در ورزش این باشد که هر تخلفی شد، نادیده گرفته بشود؛ نه، تخلف تخلف است؛ از بالا تا پایین؛ مسئولین و غیر مسئولین، زبندگان و غیر زبندگان، قهرمانان علمی و قهرمانان ورزشی و قهرمانان صنعتی و قهرمانان سیاسی و هرکدامشان وقتی تخلف کردند، باید مثل تخلف با آن برخورد بشود. سهل‌انگاری و سست‌انگاری در مسائل ورزش هیچ صلاح نیست.

خب، ما تشکر میکنیم؛ بخصوص از این مسابقات آسیایی - چه مسابقات جانبازان و معلولان عزیز، چه مسابقات دیگر - که انجام گرفت و بحمدالله با دست پُر برگشتید. من تعقیب میکردم، نگاه میکردم. بنده خیلی اهل نشستن پای گزارشهای تلویزیونی و مانند اینها نیستم، یعنی وقتش را ندارم اما وقتی خبرها مطرح میشود، با شوق و علاقه نگاه میکنم و از اینکه بحمدالله با افتخارات برگشتید، خدا را شکر میکنم؛ شما هم خدا را شکر کنید؛ خدا را شکر کنید. وقتی شما افتخاری به دست می‌آورید، این افتخار از سوی خدا است: وَ مَا يَكُم مِّن نِّعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ (۲) هر نعمتی دارید، خدا به شما داده: توانایی جسمی هم که شما دارید، خدا بهتان داده؛ قدرت اراده و تصمیمی که حرف اول را میزند در باب ورزش و قهرمانی، آن را خدا به شما داده؛ این نیروی تصمیم‌گیر را خدا به شما داده؛ این پیروزی را هم خدا به شما داده. از خدای متعال شاکر باشید. شکر الهی هم لوازمی دارد.

خب، شما جوانهایی که در میدانهای ورزشی به هر شکلی پیروزی به دست می‌آورید، در بین مردم محبوبیت پیدا میکنید. محبوبیت هم لوازمی دارد، دردسرهایی دارد بالاخره؛ باید آنها را تحمل کرد. اولاً محبوبیت که پیدا میکنید، سعی کنید این محبوبیت فقط در زمین نباشد. در زیارت امین‌الله میخوانید: مَحْبُوبَةٌ فِي أَرْضِكَ وَ سَمَائِكَ (۳)؛ این محبوبیت خوب است؛ هم در زمین محبوب بشوید، هم در آسمان محبوب بشوید؛ در ملاً اعلی، فرشتگان الهی شما را دوست بدارند؛ ارواح طیبه‌ی اولیا شما را دوست بدارند. دوّم اینکه وقتی که بین جوانهای کشور محبوب شدید، به شما نگاه میکنند، از شما یاد میگیرند؛ شما الگو میشوید. هر حرکت خوب شما، گاهی میلیون‌ها حرکت خوب در بین جوانها به وجود می‌آورد؛ ببینید چقدر ارزش دارد! یک

کار خوب که شما میکنید، یک اخلاق خوب، یک رفتار خوب، یک سخن خوب، یک نیت خوب که از شما ظاهر میشود - چون الگو میشوید - به عدد میلیون‌ها تکثیر میشود؛ این خیلی باارزش است؛ موجب رواج خیر در جامعه میشود. امر به معروف، یعنی کاری کنیم که چیز خوب رایج بشود دیگر؛ شما با این کارتان، یک امر به معروف عملی انجام میدهید. اگر خدای نکرده عکس آن هم بشود، همین جور است؛ اگر چنانچه این الگو در یک جایی، در یک بخشی، در یک حرکتی، یک کاری بکند که موافق اخلاق و موافق پرهیزکاری و پاک دامنی نیست، این هم میشود الگو - اگر مردم بفهمند - این را هم مراقب باشید؛ این هم تکثیر میشود. بنابراین قهرمان شدن، محبوب شدن، در دل مردم جاگرفتن، یک شمشیر دو دم است؛ خیلی خوب است، اگر به لوازم آن بتوانیم پایبند باشیم؛ خطرناک است، اگر خدای نکرده نتوانیم به لوازم آن پایبند باشیم. اینها عرایض ما است به شما.

نکاتی هم که وزیر محترم ورزش (۴) گفتند، نکات خوبی بود؛ این سرفصل‌ها سرفصل‌های خوبی است؛ آنچه ایشان ذکر کردند، من هم در ذهنم بود که بگویم اولویت‌بندی کنید، و بگویم که ورزش همگانی را ترویج کنید؛ ورزش همگانی، سلامت همگانی است. من البته از سابق که بعضی‌ها نسبت به ورزش قهرمانی این قلت و قلت (۵) داشتند، همیشه دفاع کردم از ورزش قهرمانی - به دلایل متعددی که حالا بعضی از آنها را عرض کرده‌ایم و روشن است - لکن ورزش همگانی، یعنی سلامت جسمانی عمومی ملت که این متأسفانه امروز آن چنان که باید، نیست. خب، زندگی شهری را ملاحظه میکنید؛ عدم تحرک، غذاهای نامناسب، غذاهای تقلیدی که در بعضی از این فروشگاه‌ها در اختیار میگذارند و مردم هم به اینها اقبال میکنند، و عمدتاً عدم تحرک، اینها جسم ملت را ضعیف میکند؛ جسمها باید قوی باشد؛ باید سالم باشد؛ این با ورزش همگانی به دست می‌آید؛ به آن حتماً توجه کنید.

ضمناً بچه‌های خوب ورزش، بچه‌های متدین ورزش که کارهای خوب را در واقع روان میکنند در جامعه، از حاشیه‌سازی‌هایی هم که گاهی میکنند، هیچ هراسی نداشته باشید، هیچ اهمیتی ندهید. تا یک کار خوبی شما میکنید، آن کسانی که گوش به زنگ هستند که هر کار خوبی را بکوبند، در این مطبوعات زرد و امثال اینها و در شبکه‌های اجتماعی، شروع میکنند به حمله کردن؛ به اینها اصلاً اعتنا نکنید؛ نگاه کنید ببینید که واقعیت چیست، ارزش چیست، دل‌های آگاه چه می‌فهمند و چه میخواهند؛ به آن توجه کنید.

به هر حال خدای متعال را شاکریم به خاطر وجود شماها و خوشحالی‌م که کشورمان بحمدالله قهرمان‌پرور است؛ نه فقط در میدانهای ورزشی - که شماها باشید - در همه‌ی میدانها کشور ما قهرمان‌پرور است؛ در میدان علم هم کشور ما قهرمان‌پرور است؛ ما قهرمان درست میکنیم. جامعه‌ی ایرانی و انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی قهرمان‌پرور در میدان علم هم دارد، در میدان اخلاق هم دارد، در میدانهای گوناگون هم دارد؛ البته مدام سعی میکنند این را تخریب کنند، کوچک کنند، تحقیر کنند اما واقعیت همان است که عرض کردم؛ قهرمان‌پروری در این کشور بحمدالله یک روبه است و این را باید روزبه‌روز افزایش بدهیم؛ و این دست شما است، دست مسئولین است، دست همه‌ی کسانی است که بر روی ذهنیتهای جامعه اثر می‌گذارند.

مجدداً از شماها تشکر میکنم، همه‌تان را به خدای بزرگ می‌سپارم و همه‌ی شما را دعا خواهم کرد.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته

(۱) قبل از شروع بیانات معظم‌له، آقای دکتر محمود گودرزی (وزیر ورزش و جوانان) مطالبی بیان کرد.

(۲) سوره‌ی نحل، بخشی از آیه‌ی ۵۳

(۳) اقبال‌الاعمال، ص ۴۷۰

(۴) آقای گودرزی

(۵) اما و اگر